

ردیف	سؤالات	نوع
	قلمرو زبانی (۸ نمره)	
(۵ نمره)	معنی واژه‌های زیر را بنویسید. (۵ نمره) ۱. تکفل: ۲. تیمار: ۳. گشن: ۴. مطلق: ۵. سیادت: ۶. فایق: ۷. پور: ۸. خوالیگر: ۹. پایمرد: ۱۰. سترگ:	۱
(۱ نمره)	در میان واژه‌های زیر غلطهای املائی را اصلاح کنید. ثقط و اطمینان - متاوعت و اطاعت - معونت و استخلاص - رشحه و قطره - نهیب و حیبت - بیعت و عهد - محملی و سستی - موقر و متین - شماتت و ملامت - رفأت و والایی - تلمذ و تعلیم	۲
(۱ نمره)	تغییرات معنایی هر واژه را در گذر زمان مشخص کنید. ۱. نوند      ۲. زین      ۳. ترگ      ۴. زخم	۳
(۵/۰ نمره)	در بیت زیر دو وابستهٔ پسین بیابید و نوع آن را بنویسید. به سوی هژبر ژیان کرد روی      به پیشش در آمد شه جنگجو	۴
(۵/۰ نمره)	برای هر مورد دو مثال بزنید. ۱. صفت فاعلی      ۲. صفت لیاقت	۵
	قلمرو ادبی (۴ نمره)	
(۳ نمره)	آرایه‌های بیت‌های زیر را بیابید. ۱. ای کعبه به داغ ماتمت نیلی پوش ۲. فلک باخت از سهم آن جنگ رنگ ۳. شقایق بر یکی پای ایستاده وز تشنگی ات فرات در جوش و خروش بود سهمگین جنگ شیر و پلنگ چو بر شاخ زمرد جام باده	۶
صفحه ی ۱ از ۲		

ردیف	ادامه ی سؤالات	نوع
(۱ نمره)	<p>کنایه‌های زیر را معنی کنید.</p> <p>۱. دندان به دندان خاییدن:</p> <p>۲. گرم و سرد چشیدن:</p>	۷
	<p>قلمرو فکری (۸ نمره)</p>	
۸ نمره	<p>۶. معنای عبارتها و بیتهای زیر را به فارسی روان امروزین بنویسید.</p> <p>۱. از چنبر نفس رسته بودند آنها      بتها همه را شکسته بودند آنها</p> <p>۲. بز زخم این مرهم عاشق است      که بی زخم مردن غم عاشق است</p> <p>۳. ز بیم سپهد همه راستان      بر آن کار گشتند همداستان</p> <p>۴. خروشید و برجست لرزان ز جای      بدرید و بسپرد محضر به پای</p> <p>۵. همه برده سر در گریبان فرو      نشد هیچ کس را هوس رزم او</p> <p>۶. درفشان لاله در وی چون چراغی      ولیک از دود آن بر جانش داغی</p> <p>۷. خروشید کای پایمردان دیو      بریده دل از ترس گیهان خدیو</p> <p>۸. متصیّد و مرغزاری نزه که از عکس ریاحین او پر زاغ چون دم طاووس نمودی و در پیش جمال او دم طاووس به پر زاغ مانستی.</p> <p>پیروز باشید.</p>	۸

ردیف	راهنمای تصحیح	محل مهر یا امضاء مدیر
۱	۱-عهدہ دار شدن ۲-مراقبت کردن ۳-پر شاخ و برگ ۴-رها، آزاد ۵-سروری ۶-برگزیده ۷-پسر ۸-آشپز ۹-شفاعت کننده ۱۰-ستبر	
۲	ثقت و اطمینان - مطاوعت و اطاعت - نهیب و هیبت - مهملی و سستی	
۳	۱-حذف واژه ۲-حفظ معنای قدیم و گرفتن معنای جدید	۳-حذف کلمه ۴-تغییر معنا
۴	ژیان : صفت جنگجو : صفت فاعلی	
۵	۱-گویا، خریدار، خندان ۲-خواستنی، دوست داشتنی	
۶	۱-تشخیص - اغراق ۲-تشخیص - جناس اختلافی - تناسب ۳-تشخیص - تشبیه	
۷	۱-از شدت عصبانیت دندان ها را به هم فشردن ۲-اوضاع خوب و بد روزگار را دیدن ( تجربه داشتن )	
۸	۱-از هوای نفس خود آنها رها بودند و بتهای نفس خود را شکسته بودند. ۲-التیام بخشیدن درد عاشق زخم زدن به درد اوست و بی زخم عشق مردن عاشق باعث غم عاشق است. ۳-از ترس فرمانده لشگر ( سپاه ) همه ی افراد در آن کار همسو و همدست شدند. ۴-لرزان از جای خود بلند شد و استشهاده نامه را با پا له کرد و رفت. ۵-همه ی افراد لشگر پیامبر سر را پایین انداختند و هیچکس هوس جنگ با عمرو را نداشت. ۶-لاله در خود چراغی درخشان داشت و از دود آن درون برگ هایش سوخته و سیاه شده بود. ۷-با عصبانیت گفت : که ای شفاعت کننده های دیو ( ضحاک ) که دل های خود را از ترس از خداوند بریده اید. ۸-شکارگاه و سبزه زاری خوش آب و هوا که از زیبایی های گیاهان خوش بوی آن پر زاغ که سیاه است مانند دم طاووس زیبا جلوه می کند و در مقابل زیبایی آن پر طاووس مانند دم زاغ می ماند.	